



در جاهای خالی کلمه های مناسب بنویس .

در جنگلی زیبا ..... که پرنده ی دانای ..... بود ، زندگی می کرد .

یک روز ..... و ..... دو پرنده ای که ..... هم بودند . تصمیم ..... ،

پیش او بروند . وقتی به ..... رسیدند به او گفتند : « ما ..... غیر از بازی

چیزهای دیگری مثل ..... بیاموزیم . » دارکوب که به ..... آن ها گوش می کرد

با خوش حالی گفت : « بسیار خوب ، اما باید سال ها ..... کنید . »

..... سال گذشت ، نوشا گفت : من دیگر از ..... خسته شده ام . پرواز کرد و

رفت . نوشا از ..... خواست پاکیزه بودن ، ..... ، و مهربانی را به او

یاد بدهد . ولی هنوز دو سال ..... بود که باز هم خسته شد و از آن جا هم رفت . مدتی

پرواز کرد تا به ..... رسید و از او خواست خوب ..... را به او یاد بدهد .

طوطی گفت : تو اول باید خوب ..... و خوب را یاد بگیری .

پس از مدتی نوشا باز هم از آموختن ..... شد و ..... گرفت پیش پدر و مادرش

برگردد .

وقتی به ..... برگشت ، کوشا را دید که پرنده ای دانا شده بود .

\*\*\* من از درس کوشا و نوشا نتیجه گرفتم : .....

.....

خدا یارت